چو خواهی به سر بر نهی تاج زر   فزون یابی اندر جهان، زیب[1] و فر[2]

به گیتی همی شهریاری کنی   به عقبی درون نامداری کنی

به مینو[3] نشیمن گزینی چو شاه   به پایت در افتد همی چرخ ماه[4]

به دربار شاه خراسان همی   گذر کن غبارش به مژگان دمی

بروب و به دیده گرامی بدار   چو گنجی که گردی از او رستگار

چنین دان که او بُد رهنمای   به جای پیمبر، ولی خدای

به آستان پاکش همی چنگ زن   برون ران ز دل، همه ما و من

بدانچه که گوید همی گوش دار   کلامش به لوح دل اندر نگار

گرت رستگاری بود آرزو   بدین باغ خرم همی راه جو

ز بوی گل و سبزه مستی بجوی   دل از تیرگی ها بدین آب شوی

همانا که این سرو سایه فکن   که گیتی بگردی چو باغ عدن

نشانیست ز احمد (ص) رسول خدا   پور زهرا و علی مرتضی (علیها سلام)

۱- زیبایی، ۲- شکوه، ۳- بهشت، ۴- ماه